

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۲

بررسی تحول کارکردهای حرف «را» در ادوار نثر فارسی

(ص ۲۴۷ - ۲۲۹)

دکتر عیسی نجفی (نویسنده مسئول)^۱، سید محمد آرتا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۲/۱۴

چکیده:

مسئله اصلی این تحقیق بررسی و توصیف و تحلیل «بسامد» و «کارکرد» های حرف «را» در ادوار نثر فارسی از لحاظ سبک‌شناسی است. در این تحقیق ۸۰۷۳ مورد حرف «را» در ۲۶۷۳۱ سطر از ۹۷ نویسنده به نسبت دوره‌های نثر فارسی استخراج و بررسی شده است. کاهش و افزایش عددی کارکردها، تنوع و تفرد کارکردها، توازی و یا تقابل در عملکرد کارکردها روی همدیگر (از لحاظ عددی و کارکردی)، تأثیر نوسان یا یکنواختی استعمال کارکردها در سبک دوره‌های نثر فارسی و همچنین نقش زیبایی‌آفرینی استعمال کارکردهای خاص و یا کارکردهای متنوع در پیدایش آثار زیبای نثر فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. از لحاظ «عدد» ی و «تنوع» کارکردها کاربرد حرف «را» از نثر دوره اول تا دوره پنجم به توالی ادوار کاهش می‌یابد.

کلمات کلیدی:

حرف «را»، سبک‌شناسی، کارکرد، بسامد، ادوار نثر فارسی.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه. enagafi1@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه.

مقدمه:

«را» یکی از حروف «اضافه» یا «وابسته ساز» زبان فارسی است. این حرف که همچون دیگر حروف اقسام و معانی گوناگونی داشته و در طول تاریخ تغییر و تحولات زیادی را از سر گذرانده. این حرف که برخی دست‌نویسان آن را حرف نشانه نامیده‌اند، تنها نشانهٔ مفعول نیست؛ بلکه در بسیاری موارد نقشهای دیگری به مفعول خود میدهد. در کتابهای دستور زبان فارسی، اقسام گوناگونی را برای «را» برشمرده‌اند که تنوع معانی و کاربرد این حرف را نشان میدهد.

پیشینه تحقیق

استاد بهار در کتاب سبک‌شناسی (۱۳۷۰، ج ۱، ۳۹۹) برای حرف را، هفت کارکرد معرفی میکند:

۱- علامت مفعول له و مفعول به واسطه: دنیا را بگیر از برای تن را و آخرت را بگیر از برای دل را، ۲- به معنی به و برای: غرض بزرگی مصطفی را بود و دین اسلام را، ۳- رای زائد: و اندر قدیم دهقان این ناحیت را از ملوک اطراف بودندی، ۴- برای عطف بیان یا بدل: پسر خویش را با سپاهی بسیار مفضل را به سیستان فرستاد، ۵- به معنی از: لقمان را پرسیدند ادب از که آموختی، ۶- به معنی تملیک: هرچه درویشان راست وقف محتاجان است، ۷- مفید معنی اضافه: آن را روی در مصلحت بود و بنای این بر خبث. خیامپور، در کتاب دستور زبان فارسی (۱۳۷۵: ۱۷۷) برای حرف را چهار کارکرد ذکر میکند:

۱- حرف مفعولی: خسرو خانهٔ خود را فروخت، ۲- حرف تأکید: روزی دو برای مصلحت را، ۳- علامت مضاف‌الیه: عرب را به جایی رسیدست کار، ۴- حرف اضافه به معنی برای، به معنی به، برای مقابله، به معنی از، به معنی در به معنی بر. چنانکه ملاحظه میکنید، محققان در اغلب کتاب‌ها و مقالاتی که دربارهٔ را نوشته‌اند و فهرست آنها در منابع پایان مقاله آمده است، تنها به معرفی کارکردهای حرف «را» پرداخته‌اند و سخن گفته‌اند، اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، از تحول کارکردها در ادوار نثر فارسی سخنی به میان نیامده است. بنابراین، ما در این مقاله برآنیم تا با رویکردی سبک‌شناسانه، با ارائهٔ آمار و ارقام دقیق، به بررسی تحول هر یک از کارکردهای حرف «را» در دوره‌های مختلف سبکی نثر فارسی بپردازیم.

طرح مسأله

تمهید اول: فقدان پژوهشی که به بررسی بسامد و کارکردهای حرف «را» با لحاظ ادوار نثر فارسی پرداخته باشد، باعث شد برای پر کردن این خلا، به این مهم پرداخته شود. نخست بررسی کارکردهای این حرف: حاصل بررسیهای انجام شده درباره کارکردهای گوناگون حرف «را»، به طور خلاصه، چنین است:

۱) نشانه مفعول صریح: دیگر روز آن کودک را به تخت ملک نشانند. (تاریخ بیهقی) فرزند زادگان وی را بدیدم. (قابوسنامه) جوانی را خفته دید. (پیشانی قآنی) ۲) «را» فک اضافه: مرا نان بگلو فرو نشد از آن دلتنگی. (قابوسنامه) صوفیان را عقیده این است. (دورنمای تصوف در ایران) در حال برادرت را گردن بزن. (تفسیر ابوالفتوح) ۳) فعل «بودن» به همراه حرف «را» به معنی «داشتن» است و مفهوم مالکیت را می‌رساند: فرعون را مسخره‌ای بود نام او شمردل. (گلستان) بهرام گور را وزیری بود. (سیاستنامه) ما را از این جنس بسیار نباشد. (تاریخ بخارا) ۴) «را»ی سبب و علت: در کوشک و باغ عدنانی فرمود تا خانه‌ای برآوردند خواب قیلوله را. (تاریخ بیهقی) و در این تعویذها نویسند از بهر حشرات و هوام را. (زین الاخبار) عرب چون دختری ایشانرا آمدی او را زنده در گور کردند ترس درویشی را. (تفسیر ابوالفتوح رازی) ۵) اختصاص: سپاس و آفرین خدای را که این جهان و آن جهان آفرید. (مقدمه شاهنامه ابومنصوری) پدر بر پدر پادشاهی مراست. (تاریخ طبرستان) کار او کاری عجیب بود و واقعات غرایب که خاص او را بود. (تذکره الاولیاء) منت خدای را که من هیچ نگفتم. (پیشانی قآنی) ۶) «را» پس از نهاد جمله: ما را با این دانه‌ها چه می‌باید کردن؟ (نوروزنامه) هر گرا مرا بیفکند او را زخم که دشمن من او بود. (قابوسنامه) نوح را نخست که به کشتی اندر نشست از کوفه نشست. (گلستان) ۷) «را» به معنی حرف اضافه «برای»: دنیا او را دام است و عقبی دانه. (مناجات‌نامه) مرا یک چاره دیگر مانده است. (اسرار التوحید) آن بی دست و پای فیروز را دعا کرد. (تاریخ بلعمی) یکی مرا حکایت کرد. (سفرنامه ناصر خسرو) ۸) «را» به معنی حرف اضافه «به»: اگر در همه ناحیت گرگان کسی، کسی را دشنام دهد... (حدود العالم) خدا ما را و شما را توفیق دهد بر همه اعمال خیرات. (الابنیه) خسرو او را گفت... (مقدمه شاهنامه ابومنصوری) یا رب مرا بنمای که این پسر را که کشت؟ (تاریخ بلعمی) ۹) «را» به معنی حرف اضافه «از»: تفحص کردند جمله

خردمندان مملکت را. (تاریخ بیهقی) ترا آسیایی کنم که همه مشرق و مغرب آن را حدیث کنند. (مجمّل‌التواریخ) و فیلقوس که قیصر روم بود فرمان داراب را مطاوعت نمودی. (اسکندرنامه) شیر او را استمالت نمود. (کلیله و دمنه) ۱۰ «را» به معنی حرف اضافه «در»: و شب را بازگرد. (اخلاق ناصری) شب یلدای مرا شد اثر صبح پدید. (روضه الصفا) شب را به تماشاخانه رفتیم. (سفرنامه ناصرالدین شاه) ۱۱ «را» به معنی حرف اضافه «بر»: تا عالمیان را معلوم شود که بد می‌کنی. (جوامع‌الحکایات) کسری مرا حسد کرد. (تفسیر ابوالفتوح رازی) دور زندگانی و جان خود را قلم بکشد. (دورنمای تصوف در ایران) و این خانه را از سقف تا بپای زمین صورت کردند. (تاریخ بیهقی) ۱۲ «را» به معنی حرف اضافه «با»: جزای کسی که با ملک بد اندیشد و مخالفان او را موافقت کند. (سیاستنامه) او را بسیار جهد و مدارا بایست کرد. (اخبار خوارزم) ابومسلم را مخالف شد. (زین‌الخبار) تا تو را بیعت نکند او را نگذار. (جوامع‌الحکایات) ۱۳ «را» به معنی حرف «تا»: بامداد را پانزده فرسنگ رفته بودند. (چهار مقاله) و آفتاب زرد را امیر بآب روان رسید. (تاریخ بیهقی)

تمهید دوم: این پژوهش، با اساس قرار دادن تقسیمات دوره‌های نثر فارسی مندرج در کتاب سبک‌شناسی یا «تاریخ تطور نثر فارسی» ملک الشعراء بهار، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. در ضمن برای ممانعت از هرگونه اعمال سلیقه یا پیش‌زمینه ذهنی و یا انتخاب تعمدی، متونی را که در کتاب سه جلدی «هزار سال نثر فارسی» کریم کشاورز وجود دارند، برای جمع‌آوری داده‌ها اساس قرار گرفته‌اند.

دوره‌های نثر فارسی طبق تقسیم بندی بهار چنین است: دوره نخستین شامل متونی از مقدمه شاهنامه ابو منصور تا آثار بو نصر مشکان و ابوالفضل بیهقی است که نثر مرسل و ساده نام دارد. دوره دوم که نثر بینابین نامیده می‌شود از تاریخ بیهقی است تا کلیله و دمنه. دوره سوم که سبک فنی میباشد از کلیله و دمنه تا عصر مغول را شامل است. از عصر مغول تا قرن دوازده نثر صنعتی نامیده شده است و پس از آن دوران معاصر نام دارد. از لحاظ ساختاری این جستار یک بررسی سبک‌شناسانه در سطح زبانی به حساب می‌آید که به کمک دستور زبان فارسی کارکردهای حرف «را» را در تمام دوره‌های نثر فارسی مورد تحقیق قرار داده است. در هر اثر و هر دوره‌ای علاوه بر ذکر ارقام ذیل کارکردها، میزان درصدها نیز مشخص شده است. برای نشان دادن میزان انحراف از هنجار و نرم هر دوره، علاوه بر ذکر آثاری که حداکثر و حداقل کاربرد را داشته‌اند، ذیل هر دوره با درج درصد انحراف از میانگین، امکان هر گونه سنجش را برای خوانندگان فراهم ساخته است. این اعداد و ارقام ذیل هر دوره و تمام نمودارها ذکر شده.

کارکرد «مفعولی»: هر چه از آغاز نثر فارسی دور میشویم، تنوع کارکردها و معانی حرف «را»، کمتر میشود چنانکه در بعضی از آثار دوران چهارم و پنجم فقط کارکرد مفعولی این حرف بجای مانده است.

محور میانگین کارکرد مفعولی در دوره‌های اول تا سوم جریان متعادل رو به افزایشی را نشان میدهد، در دوران چهارم و پنجم این روند، حالت جهشی به خود گرفته است. بگونه‌ای که در دوره پنجم حداقل کاربرد تقریباً به اندازه میانگین دوره نخست است. این جهش در محور حداکثر میان دوره‌های اول تا دوم و سوم تا چهارم صورت میگیرد. در محور حداقل نیز این حرکت جهشی در سه مقطع، یعنی دوران اول تا دوم همچنین دوم تا سوم و چهارم تا پنجم صورت گرفته است. توجه به این جهش‌ها از یکسو و اختلاف فراوان میان محورهای حداقل و حداکثر میانگین در هر دوره از سوی دیگر، بیانگر این مطلب است که هیچ تناسب توازن خاصی در کاربرد «را» مفعولی در هیچ دوره‌ای حاکم نبوده است و آثاری در هر دوره یافته شده است که استفاده از کارکرد مفعولی، افراط و تفریط داشته اند. اسکندر نامه که در عصر خود یک استثنا است، در دوره چهارم نمونه افراط و کتاب حدود العالم در دوره اول نمونه تفریط است. بنابراین بطور کلی از لحاظ سبک شناسی با توجه به بسامد کارکرد بکار رفته نشاندهنده سیر صعودی است که در محورهای حداکثر، حداقل و میانگین صورت گرفته است.

لازم به ذکر است که هرچه آثار رنگ ادبیتری داشته باشند، استفاده بیشتری از کارکردهای متنوع حرف «را» داشته‌اند. به عبارت دیگر هر متنی که از کارکردهای متنوع تری از حرف «را» استفاده کرده باشد، آن متن زیباتر و ادبیتر بنظر میرسد. نگاهی به ستون حداقلها و حداکثرها با لحاظ نام آثار حائز اقلیت و اکثریت، این مسأله را بارزتر نشان میدهد. به این صورت که از دوره‌های دوم تا پنجم ذیل محور حداقلهای استعمال «را»ی مفعول بترتیب سیاست نامه، مرصادالعباد، گلستان و پریشان دیده میشود که در مقایسه با عناوین ذیل که حداکثر استعمال «را» مفعولی، از دوران اول تا چهارم را دارند یعنی شاهنامه ابو منصور، فارسنامه، تاریخ یمینی و اسکندرنامه - ادبیتر هستند. متون دسته دوم بیشتر تاریخی و روایتگر واقعیات هستند که نسبت به گروه اول رنگ ادبی کمتری دارند. البته حدود العالم در محور حداقلی و چرند و پرند در محور حداکثری به ترتیب در دوره‌های اول و پنجم استثناهایی بر این قاعده‌اند.

- کارکرد «حرف اضافه»: عکس روند رو به افزایش کارکرد «مفعولی» حرف «را» باگذشت زمان کارکرد «حرف اضافه» ای آن به صورت ملایم و متناسبی کاهش یافته است.

این کاهش بدون هیچ استثنایی در هر سه محور به صورت یکنواختی ادامه داشته است. بعلاوه کمتر شدن اختلاف میان محورهای حداقل و حداکثر در تمام دوره‌ها در مقایسه با کارکرد «مفعولی» حرف «را» محسوس است. که این امر بیانگر نوعی توازن، هماهنگی و دوری از هر گونه افراط و تفریط در استعمال کارکرد «حرف اضافه» ای «را» است. (البته در کلیت نه در اجزا).

اگر از لحاظ موضوعی به آثاری که دارای ارقام حداکثر و حداقل کاربردهای حرف اضافه «را» هستند نظری بیندازیم، متوجه می‌شویم که تقریباً در محورهای حداقل و حداکثر، آثاری صاحب نام هستند که از لحاظ موضوع و سبک نگارش نوعی اشتراک دارند. به ترتیب دوران این آثار چنینند (کشف‌المحجوب هجویری - معراج‌نامه ابن سینا)، (سیاست‌نامه - فارس‌نامه)، (تاریخ طبری - تاریخ یمنی)، (گلستان - حدائق السحر)، (مجمع الفصحا - سفرنامه مکه). این مسأله می‌تواند نمایانگر نوعی تقلید و یا فراتر از تقلید نوعی تعمد در سبک نویسندگانی باشد که آثارشان دارای سبک نگارش و یا از لحاظ موضوع اشتراکاتی خاص باست..

کارکرد «برای»: این کارکرد که تابعی از کارکرد قبلی است. سیر تحول این کارکرد همانند مورد قبلی رو به کاهش بوده است، با این تفاوت که این مسیر در کارکرد «برای» برخلاف مورد پیشین یکنواخت نیست، بلکه با نوعی عدم توازن و هنجارگریزی همراه است. بالاترین رقم استعمال در محور میانگین مربوط به دوره اول و کمترین آن مربوط به دوره پنجم است. این سیر از دوره اول تا دوره سوم تغییر محسوسی ندارد، اما در دوره چهارم کاهش پنجاه درصدی نسبت به دوره سوم دارد. در دوره پنجم این رقم کاهش خیلی بیشتر شده است. دلیل این امر علاوه بر افزایش «کارکرد مفعولی»، می‌تواند در رابطه با سبک نثر صنعتی دوره چهارم و بیتوجهی نویسندگان این نوع نثر به ساختارهای زبان فارسی باشد. در ادوار مختلف نثر در محور حداکثر مرصادالعباد در دوره سوم بالاترین رقم را دارد و پس از آن گلستان در دوره چهارم قرار می‌گیرد. در محور حداقل، بعضی دوره‌ها بحدی کاهش یافته‌اند که از لحاظ بسامدی جزو مختصه‌های سبکی قابل بررسی نیستند.

ذیل محور حداکثر، آثاری دیده می‌شوند که نسبت به آثار ذیل محور حداقل رنگ ادبی بیشتری دارند. آن آثار که بترتیب دوره‌ها عبارتند از: کشف‌المحجوب، کیمیای سعادت، مرصادالعباد، گلستان و مجمع الفصحاء. اما در محور حداقل، آثار یا تاریخی هستند یا علمی و یا آمیزه‌ای از این دو. یعنی: حدود العالم، مجمل‌التواریخ، چهارمقاله، جوامع‌التواریخ و جوانمرد خراسان.

کارکرد «به»: محور میانگین سیر کاهشی را در تماماً دوار طی میکند. این محور در دوره اول رقم ۲۱/۵ را نشان می‌دهد در حالی که در دوره پنجم چهار درصد است؛ یعنی کمتر از دو هزارم دوره اول است. در دوره پنجم اختلاف میانگین دوره با محور حداقل آن دوره بیست و پنج صدم درصد است. در این کارکرد محورهای حداقل و حداکثر هیچ سیر خاصی را دنبال نکرده‌اند. جالب است که آثاری که ذیل محور حداکثر کاربرد «به» آمده‌اند، از لحاظ موضوع و سبک نویسنده‌گی تقریباً همان آثاری هستند که ذیل محور حداقل در کارکرد مفعولی درج شده‌اند. عکس این جریان در محور حداقل کارکرد «به» با محور حداکثر کارکرد «مفعولی» دیده می‌شود.

کارکرد «از»: جریان متناوب افزایش و کاهش به فاصله هر دوره در محور میانگین مشاهده می‌شود؛ یعنی ارقام دوره‌های زوج (۲ و ۴) بالاتر از ارقام دوره‌های فرد (۱ و ۳ و ۵) است. در محور حداقل تا دوره سوم این جریان تکرار شده است، اما دوره چهارم با دوره سوم یکسان است. در دوره پنجم رقم استعمال بالاتر از دوره چهارم شده است. در محور حداکثری تا دوره سوم با مسیر محورهای میانگین و حداقل همخوانی دارد. البته با شدت بسیار بیشتری ارقام بالا و پایین آمده‌اند. اما از دوره سوم به بعد مسیر افزایش را نشان می‌دهد. این افزایش حتی در دوره پنجم به حد دوره دوم نمی‌رسد. آثاری که دارای بالاترین ارقام این کارکرد هستند، همگی در دوران خود صاحب سبک و بارز شناخته می‌شوند. این آثار عبارتند از: در دوره اول تاریخ طبری، تاریخ بلعمی و سفرنامه ناصر خسرو در دوره دوم قابوسنامه، در دوره سوم چهارمقاله و در دوره چهارم گلستان و سرانجام در دوره پنجم هزار و یک شب هستند. در ذیل محور حداقل آثاری قرار می‌گیرند که بیشتر تاریخ و تذکره به حساب می‌آیند.

کارکرد «در»: این کارکرد به خاطر بسامدکم ذیل مطالعات سبک‌شناسی نمی‌آید. از این کارکرد در دوره دوم تنها در کتاب تاریخ بیهقی و در دوره سوم فقط در کتاب اخلاق ناصری نمونه‌هایی یافته شده است.

کارکرد «بر»: این کارکرد در محور حداکثر بیشتر قابل بررسی است. ارقام کاربرد و آثار به ترتیب دوره‌ها عبارتند از: ۱۱٪ در کتاب کشف المحجوب - ۳/۵٪ در کتاب مجمل التواریخ - ۶٪ در کتاب مقامات حمیدی - ۳٪ در کتاب تذکره شاه طهماسب، در دوره پنجم نمونه‌ای از این کارکرد یافت نشد. آثاری از این کارکرد بیشتر استفاده کرده‌اند که در عصر خود، با نوعی تصنع و تکلف‌نویسی یا حداقل فنی‌نویسی شناخته شده هستند.

کارکرد «تا»: از این کارکرد در دوره‌های اول و پنجم موردی یافت نشد. در دوره‌های دوم تا چهارم در هر دوره تنها در یک اثر دیده شد که بترتیب عبارتند از: تاریخ بیهقی، چهار مقاله و جامع التواریخ. جالب است که این سه اثر در عصر خود از لحاظ سبکی تشخیص خاصی دارند.

کارکرد «با»: کارکرد «با» در محور حداکثر در کتاب مجالس المؤمنین در دوره چهارم هفت برابر نمایندگان محور حداکثر دوره‌های اول و دوم یعنی سیاستنامه و جوامع حکایات استفاده شده در دوره پنجم موردی یافت نشده. به لحاظ میانگین، دوره سوم در صدر قرار دارد و دوره‌های دوم و چهارم، مقام دوم و سوم را دارند.

کارکرد «داشتن»: در محورهای میانگین و حداقل از لحاظ سبک‌شناسی به دلیل پایین بودن بسامد بررسی نمیشود. این کارکرد در محور حداکثر، در دوره اول در کتاب حدود العالم ۴۳٪ بکار رفته. این رقم در آن دوره پس از کارکرد «مفعولی» و کارکرد «به» مقام سوم را دارد. جالب است که حدود العالم در کارکرد مفعولی در ذیل محور حداقل کاربرد قرار دارد. این محور در دوره دوم با ۱۱٪ کاربرد در کتاب مجمل التواریخ افت بسیار شدیدی کرده. در دوره سوم در کتاب مرصادالعباد به ۳۸٪ افزایش می‌یابد. این رقم در میان کارکردهای حرف «را» در دوره سوم پس از کارکرد مفعول مقام دوم را دارد. در دوره چهارم با کاهش بسیاری این رقم به ۱۶٪ در کتاب نزهة القلوب رسیده است. دوره پنجم پریشان با ۲۵٪ کاربرد در صدر است.

کارکرد «تملیک و تخصیص»: تنها در محور حداکثر ارقام چشمگیر است. دوره چهارم بالاترین بسامد را در بین دوره‌ها دارد، کتاب اخلاق جلالی با ۷٪ پس از آن کتاب اخبار خوارزم با ۵٪ در دوره اول مقام دوم را دارد. حدائق السحر در دوره سوم و پریشان در دوره پنجم و تاریخ بیهقی در دوره دوم دارای بالاترین ارقام هستند. در دوره پنجم تنها در کتاب پریشان نمونه‌هایی از این کاربرد یافته شد.

کارکرد «فک اضافه»: بالاترین رقم این کارکرد در محور حداکثری در دوره چهارم در کتاب درّه نادره با ۶٪ کاربرد دارد. پس از آن بترتیب کتابهای الابنیه در دوره اول با ۱۵٪ کاربرد، مقامات حمیدی در دوره سوم با ۱۲/۵، تاریخ تصوف با ۱۰٪ کاربرد در دوره پنجم و تاریخ بیهقی با ۴٪ در دوره دوم قرار دارد.

کارکرد «علت و سبب»: در دوره‌های چهارم و پنجم هیچ موردی یافته نشد. در دوره اول تنها در کتاب زین الاخبار ۱٪ کاربرد یافت شد. در دوره دوم در کتابهای تاریخ بیهقی و نوروزنامه با ۱٪ کاربرد و در دوره سوم فقط در کتاب تفسیر ابوالفتوح با ۲٪ کاربرد مشاهده شد.

کارکرد «همراه فاعل»: کم کاربردترین کارکرد حرف «را» در تمام دوره‌های نثر فارسی است. در طول هزار سال نثر فارسی (بر اساس منبع داده‌های ما) تنها کتابی که این کاربرد را استعمال نموده، کتاب تاریخ بیهقی است

نتیجه :

از لحاظ بسامدی و همچنین از لحاظ تنوع کارکردها، حرف «را» در دوره‌های مختلف نثر فارسی هر چه از آغاز رو به پایان می‌رود، کاهش می‌یابد. بطوریکه میتوان گفت که در روزگار ما به کارکرد «مفعولی» منحصر شده است (البته به لحاظ بسامدی که قابل بررسی سبک شناسانه باشد) این روند کاهش با لحاظ دو استثنا به توالی دوره‌ها نیز رعایت شده است. آن دو استثنا چنین است: از لحاظ بسامدی دوره چهارم بیشتر از دوره سوم است و از لحاظ تنوع کارکردی دوره دوم بیشتر از دوره اول تنوع دارد.

به لحاظ کارکردهای حرف «را»، کارکرد «مفعولی» در همه دوره‌ها پرکاربردترین است. پس از آن کارکرد «حرف اضافه» ای می‌باشد. و کم استعمال‌ترین کارکرد، کارکرد «همراه فاعل» است که از میان تمام دوره‌ها تنها در دوره دوم یافته شده است. در میان کارکردهای «حرف اضافه» ای حرف «را»، بالاترین ارقام میانگین به ترتیب در اختیار کارکردهای «به»، «برای» و «از» می‌باشد.

میان استعمال کارکرد «مفعولی» حرف «را»، با سایر کارکردها و بخصوص کارکرد «حرف اضافه» ای، از نظر بسامدی تقابل وجود دارد. به این صورت که هر چه کارکرد «حرف اضافه» ای «را» بیشتر باشد، به همان مقدار از کارکرد «مفعولی» آن حرف کاسته می‌شود. عکس آن نیز صادق است. این تقابل عینا از لحاظ موضوعی در میان آثاری که حایز ارقام حد اکثری و حداقلی هستند ذیل کارکردهای «مفعولی» و «حرف اضافه» ای دیده میشود.

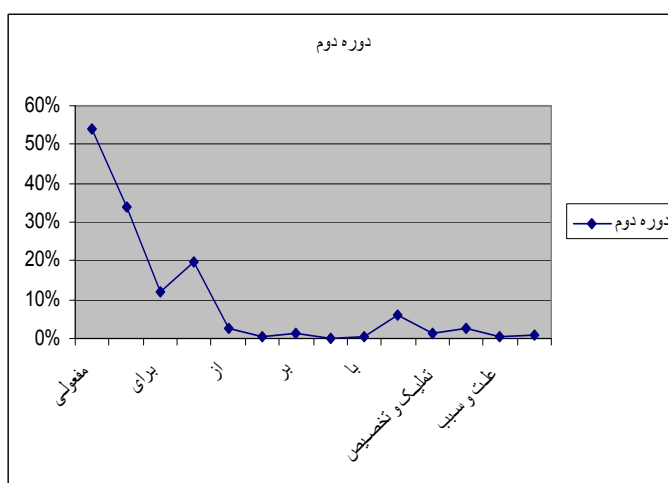
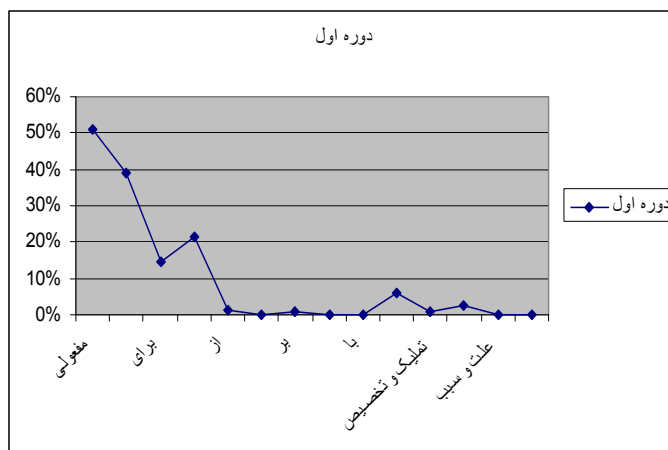
هرچقدر نویسندگان از کارکردهای متنوعتری از حرف «را» استفاده کرده‌اند، آثارشان ادبیت‌رست. در میان کتب نثر فارسی، آثار دوره مرسل و ساده و تا حدودی نثر بینابین، همچنین معدودی از آثار نثر فنی بخصوص گلستان و مقلدانش، زیباترین بهره‌ها را از کارکردهای حرف «را» برده‌اند و از این طریق به جنبه‌های ادبی آثار خود افزوده‌اند. بعضی کارکردها مانند «تا»، «از»، «در» و «تملیک و تخصیص» استعمالشان در محور

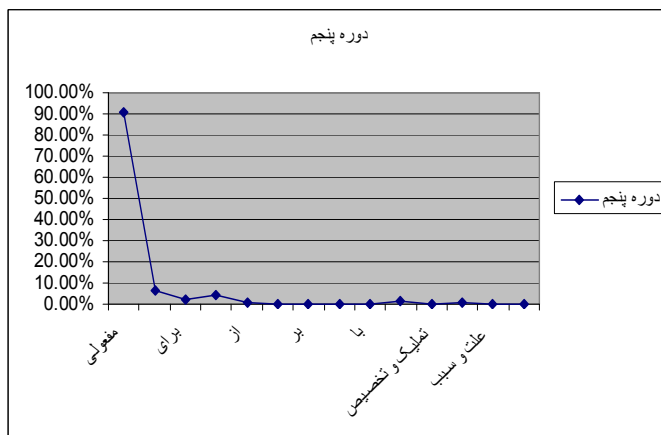
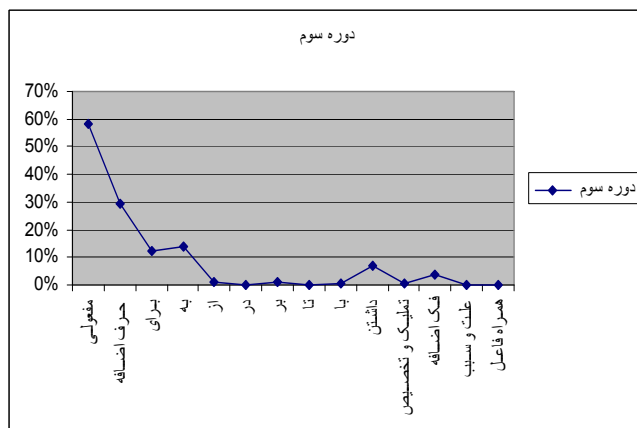
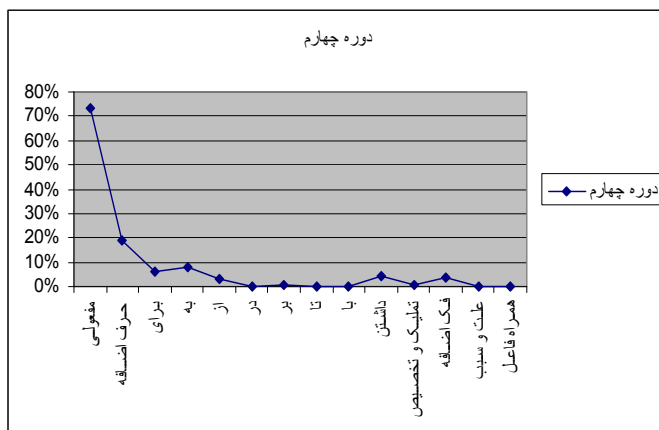
حداکثری در تمام دوره در انحصار آثاری است که همگی در دوران خود از لحاظ سبکی تشخیص خاصی دارند

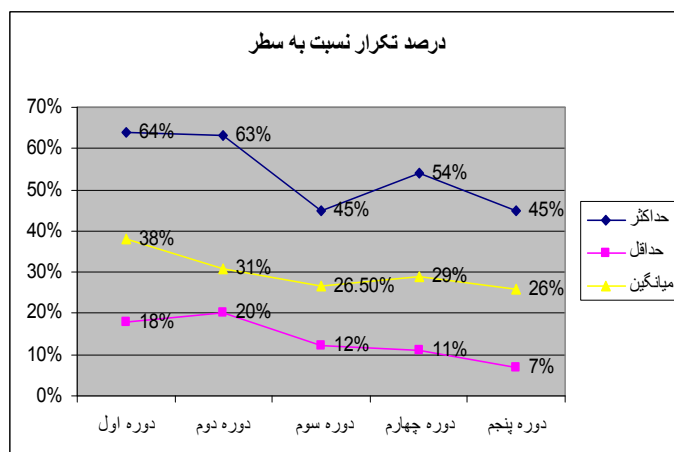
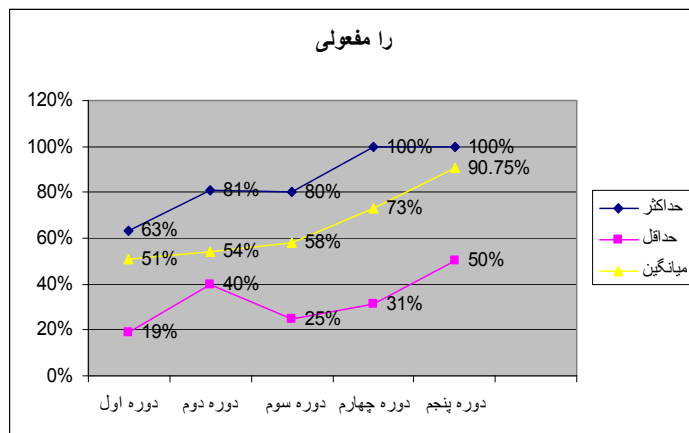
در میان دوره‌های نثر فارسی، دوره دوم متنوع‌ترین کارکردها را دارد؛ یعنی دربردارنده تمام کارکردهای حرف «را» می‌باشد. از میان تمام آثار مورد بررسی، تنها اثری که شامل همه کارکردها بوده است، تاریخ بیهقی می‌باشد. دوره چهارم از لحاظ بسامد استعمال کارکردهای «تا»، «از»، «فک اضافه» و «تملیک و تخصیص» در صدر همه دورانها است. از لحاظ تناسب و توازن میان کارکردها، دوره اول در صدر همه دوره‌ها قرار می‌گیرد؛ یعنی در محورهای حداقل و حداکثر از افراط و تفریطی که در همه دوره‌ها دیده می‌شود، در آثار آن دوره خبری نیست. دوره چهارم از لحاظ بسامد استعمال کارکردهای «تا»، «از»، «فک اضافه» و «تملیک و تخصیص» در صدر همه دورانها است.

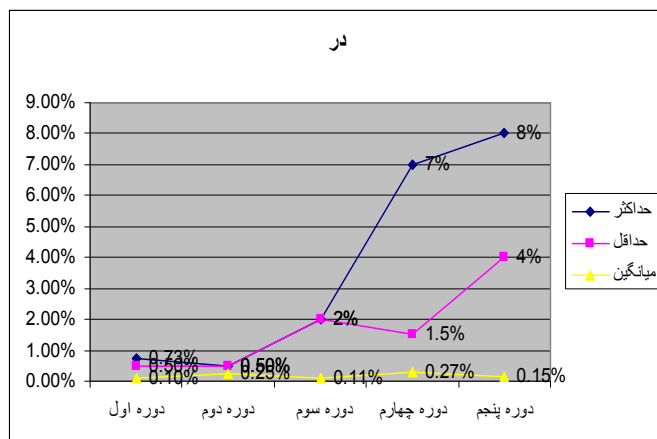
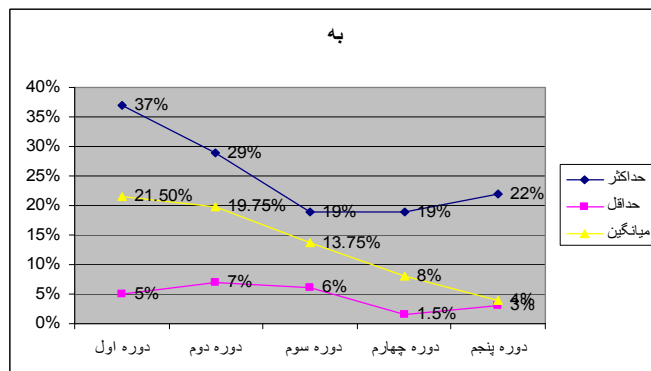
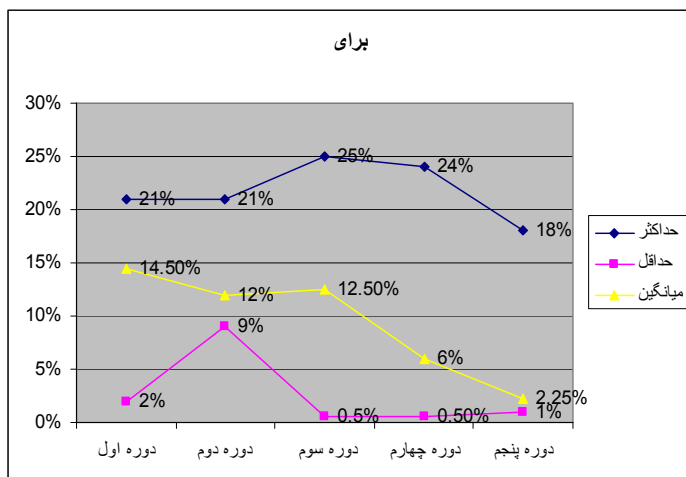
در پنج دوره نثر فارسی از لحاظ بسامد و تکرار کاربرد، کارکردهایی که قابل طرح در مباحث سبک‌شناسی باشد، منحصر به چند کارکرد اصلی است که عبارتند از: کارکردهای «مفعولی»، «برای»، «به»، «داشتن» و «فک اضافه» و منحصرأ کارکرد «از» در دوره‌های چهارم و دوم.

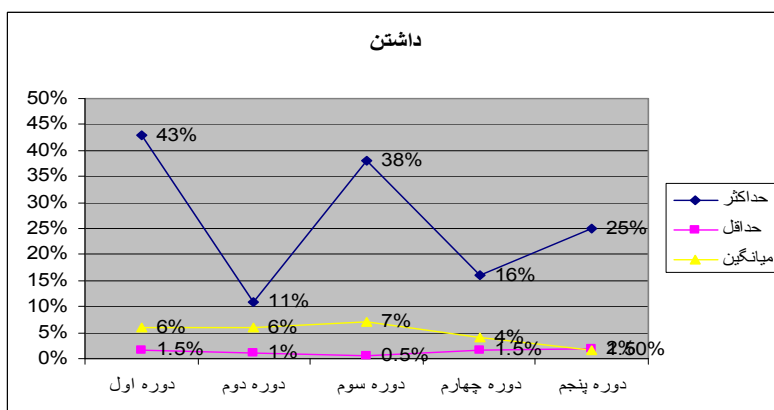
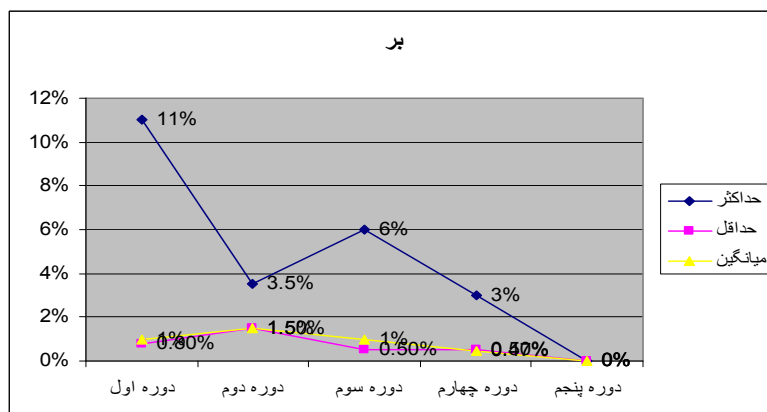
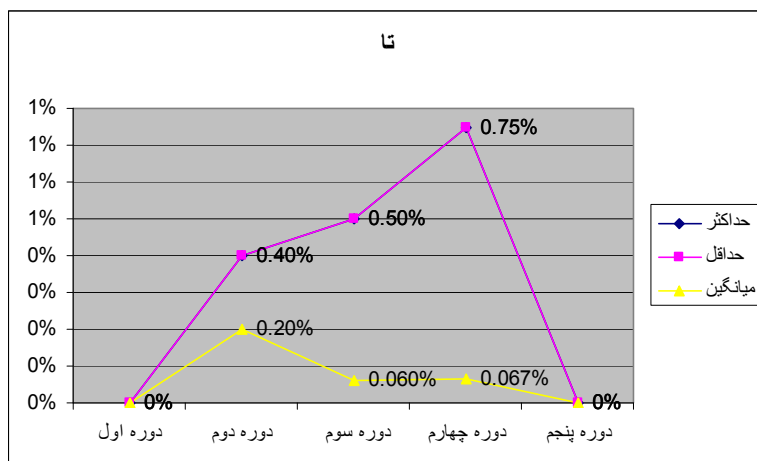
ضمایم:

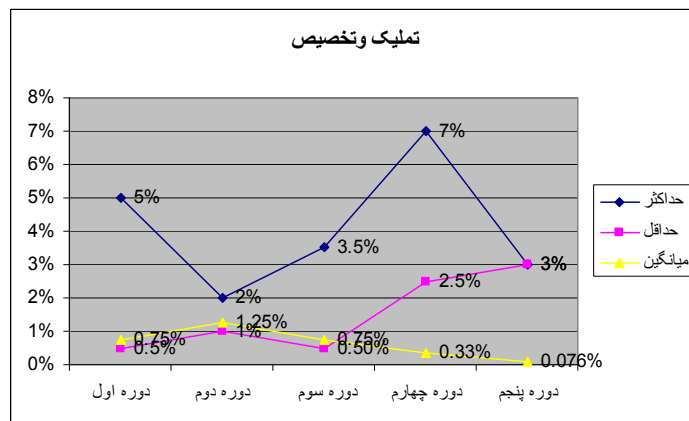
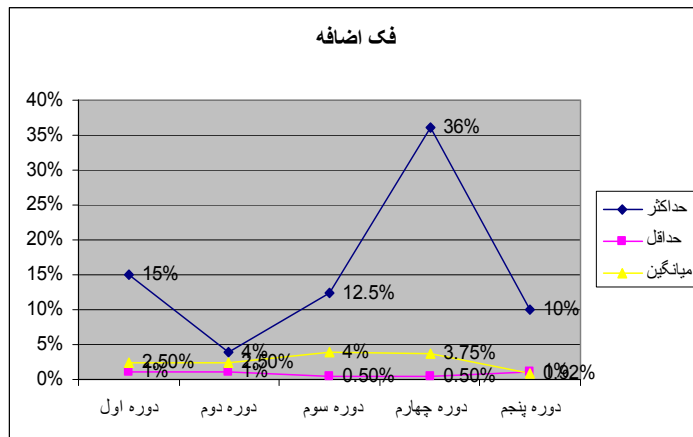


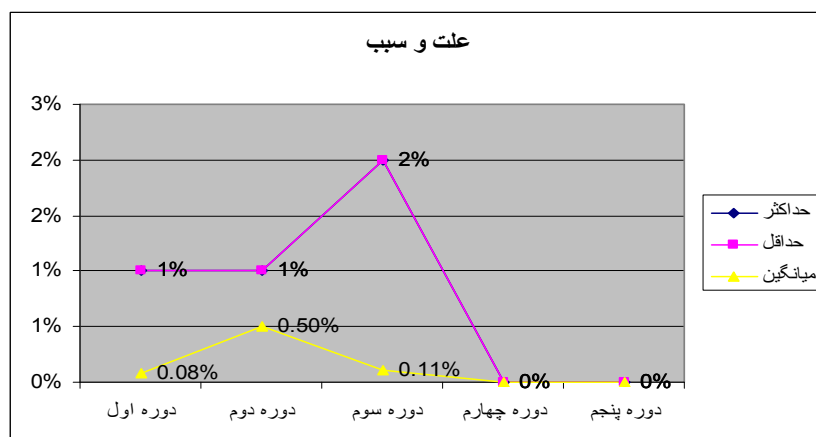
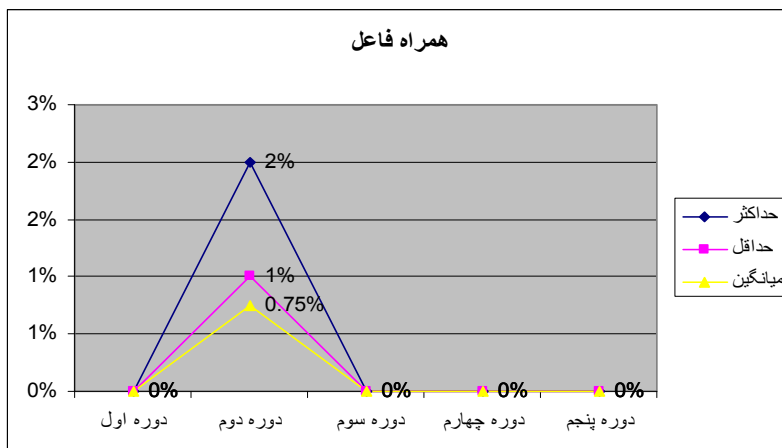


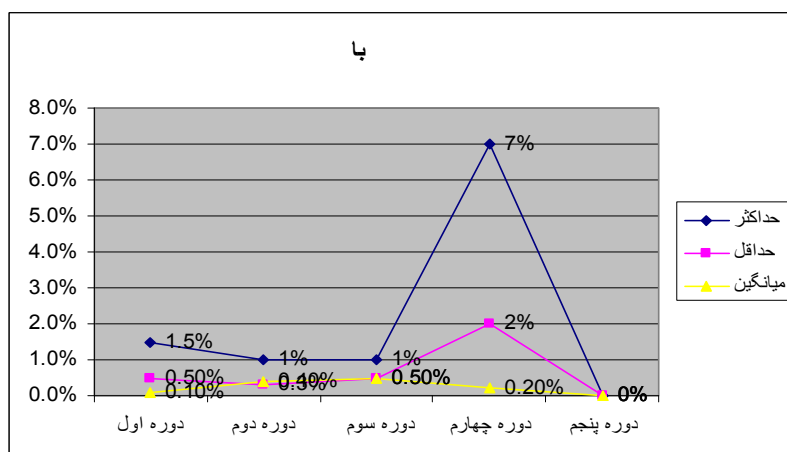
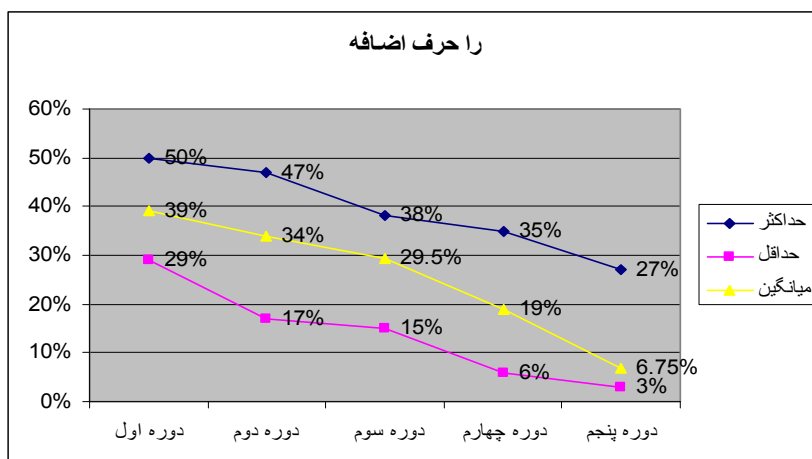












فهرست منابع:

- ۱- بهار، محمدتقی، ۱۳۷۰، سبک‌شناسی (تاریخ‌تطور نثر فارسی)، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، تهران.
- ۲- بیهقی، ابوالفضل، ۱۳۷۶، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، انتشارات مهتاب، چاپ ششم، تهران.
- ۳- خطیب رهبر، خلیل، ۱۳۶۷، دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط، انتشارات سعدی، تهران.
- ۴- خیامپور، عبدالرسول، ۱۳۷۵، دستور زبان فارسی، انتشارات کتابفروشی تهران، چاپ دهم، تهران.
- ۵- دبیر مقدم، محمد، ۱۳۶۹، پیرامون «را» در زبان فارسی، مجله زبانشناسی، سال ۷، شماره ۱.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، مقدمه لغت‌نامه بقلم گروهی از نویسندگان، چاپ سیروس، تهران.
- ۷- مستعلی پارسا، غلامرضا و حامد بشیری زیرمانلو، پائیز ۱۳۸۸، «را»ی روایت و سبک شخصی گلستان، بهار ادب، سال دوم، شماره سوم، ص ۱-۸.
- ۸- مشاوری، زهره، بهار و تابستان ۱۳۸۹، یک‌قسم «را» در جمله‌های مرکب، فنون ادبی (علمی- پژوهشی) دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۲)، ص ۱۱۸-۱۱۱.
- ۹- ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۸۰، دستور زبان فارسی، انتشارات توس، چاپ هجدهم، تهران.
- ۱۰- نجفی، ابوالحسن، ۱۳۶۶، «را» پس از فعل، نشر دانش، سال ۷، شماره ۶، ص ۶-۱۱.

Lazard, Gilbert, 1970, Etude quantitative de l'evolution d'un morpheme: La postposition ra en Persan, Melanges Marcel Cohen, in: David Cohen(ed), The Hague/Paris: Mouton, 381-388.